



IN THE NAME OF MY FATHER

Monday July 07th, 2008

His Imperial Majesty Reza Pahlavi

and

Her Imperial Majesty Farah Pahlavi

RE: Issuing a Statement on Commemorating 18 Tir

Kindly His Imperial Majesty reminding your message on occasion of 18 Tir.

دوشنبه ۷ جولای ۲۰۰۸

اعلیحضرت رضا پهلوی

و

علیاحضرت شهبانو فرح پهلوی

پیرو پیام ۱۸ تیر

با احترام مراتبی در مورد ۱۸ تیر ماه به آگاهی اعلیحضرت شاهنشاهی میرساند:

«هم میهنان عزیزم،

جنبش دانشجویی در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ فریاد آزادیخواهی نسلی بود که از یک انقلاب بی هدف پیشینیان خود جز خفقان و بی دادگری بهره ای نبرده است.

دانشجویان در آن روز پیا خاستند تا زنجیرهای اسارت را بگسلند و راه را به سوی ترقی و آزادی برای خود و نسل های آینده بازکشایند.

دانشگاه همیشه بستر تحولات سیاسی و مکتب آزاداندیشی و سنگر مبارزه با خفقان و بی عدالتی بوده است.

دانشجویان و جوانان برومند ایران

در این روزهای حساس و سرنوشت ساز نقش شما سازندگان ایران فردا از هر زمان حیاتی تر است. شما مواجه با رژیم هستی که با تمام قدرت در صدد نابودی تاریخ، فرهنگ و هویت ملی شما است با ایرانی و ایرانیت در ستیز است و بیگانه پرستی را برای خود افتخار می داند.

مقاومت و پایداری شما در مقابل چنین رژیمی قابل ستایش است. من اعتقاد راسخ دارم که راه شما سازندگان ایران فردا، راه پیروزی است. در این راه پرفراز و نشیب من همواره همراه با شما در تلاش هستم.

خداوند نگهدار ایران باد

رضا پهلوی»

On Monday July 07th, 2008 His Imperial Majesty released a statement on occasion of 18 Tir, and His Imperial Majesty only made reference to students uprising and straight forward ignored all contribution of Imperial Iranian Armed Forces during fateful moment of 18 Tir which is an issue for members of Imperial Iranian Armed Forces, and surviving families which have been subjected of humiliation of the revolutionary people since 1979.

در روز ۷ جولای ۲۰۰۸ آن اعلیحضرت پیامی (بالا) به مناسبت ۱۸ تر صادر فرمودند که در آن فقط به برپا خیزی دانشپویان اشاره شده و بطور روشن و مستقیمی از اشاره به جنبش دلاوران ارتش شاهنشاهی در هنگامه ۱۸ تیر که بطور مسلم یک حرکت از سوی اعضای نیروهای مسلح شاهنشاهی است و به خانواده های بازمانده آنان مربوط می شود که از سال ۱۹۷۹ تا کنون موجب شرمساری مردم به اصطلاح انقلابی شده است خودداری فرمودند.

His Imperial Majesty needs to remember the very first nationalist uprising was initiated by the Imperial Iranian Armed Forces and those plotters of the 18 Tir uprising had families and decided to ignore their natural obligation toward their families, and decided to fulfill their military duty to their country and defending Iran against the tyranny which has been murdering and plundering Iran since 1979. Also, there is a pervasive trend on side of His Imperial Majesty's public relation to ignore Imperial Iranian Armed Forces at every given opportunity whether it is 18 Tir or anniversary of Immortal Soldiers. His Imperial Majesty needs to remember that Iran's political culture took notion of "justice" very seriously and His actions illustrate "injustice" to the Immortal Soldiers, as well as, surviving families.

شایسته بود آن اعلیحضرت شاهنشاهی به نخستین رستاخیزی که از سوی نیروهای مسلح شاهنشاهی و از سوی کسان و افراد فامیل آن جانبختگان آغاز شده بود اشاره می کردند، درحالیکه اعلیحضرت برآن شدند تا مسئولیت و وظیفی طبیعی خویش را نسبت به بازمانگان آن جانبختگان، ویدافندی که نیروهای مسلح کشور برعلیه نظام دژخوی حاکم که از سال ۱۹۷۹ تابحال روا داشتند بی اهمیت باقی بمانند. همچنین لازم میدانند به روش بی توجهی که از سوی آن اعلیحضرت و روابط همگانی و دفتر جنابعالی در هر یادواره مربوط به ۱۸ تیر نسبت به نیروهای مسلح شاهنشاهی ابراز شده است اشاره گردد. شایسته است آن اعلیحضرت بخاطر بسیاری که فرهنگ سیاسی ایران بطور جدی نسبت به

روش اتخاذ شده از سوی جنابعالی با نظر "دادگستری" که به "بیدادی" نسبت به افراد نظامی و خانواده و بازمانگان آنان مبدل شده است نگاه خواهند کرد.

His Imperial Majesty needs to remember that today there are living Imperial Iranian Armed Forces that they view His Imperial Majesty as the king of Iran, and releasing a statement in that nature is an insult to all members of Imperial Iranian Armed Forces. Most importantly, the 18 Tir plotters acted in good faith to defend Iran and sacrifice their lives for Iran.

شایسته است آن اعلیحضرت بخاطر بسپارند که امروز در گوشه کنار افراد نیرو های مسلحی زنده هستند و به زندگانی ادامه می دهند که در نظر آنان اعلیحضرت در مقام قانونی پادشاه میباشند و صدور چنین بیانیه و پیامی با آن متن بی مسئولیتی می تواند نوعی توهین به نیرو های مسلح شاهنشاهی و بسیاری جانبازان ۱۸ تیر که با نیت پدافنداز ایران جان باختند بحساب می آید.

His Imperial Majesty's letter gave an impression to the surviving families that their love one died in vain, and His Imperial Majesty never appreciate their altruistic and nationalist act. Now, His Imperial Majesty should bear in His mind that a child has grown-up not knowing who her/his father was, and a grandchild was deprived from playing sports or some other kind of leisure activities, and countless other enjoyment of life because of freedom of Iran.

سپس اعلیحضرت در نامه خویش چنان استنباطی به بازماندگان آن دلیران بدست می دهند که انگار آنان عمر خود را بیهوده و بیفایده به هدر داده اند و اعلیحضرت هرگز کار دلاورانه و ملی آنان را قدر ندانسته و برآن بهانی نداده اند. اما اکنون اعلیحضرت بایستی در این فکر باشند که فرزندان این دلیران بزرگ شده اند و نمی دانند پدرشان چه دلیری بوده است و نوه آن افراد از بازی های کودکانه و یا حرکت های ورزشی و شادی های دیگری که می توانستند در آزادی ایران بهره گیرند بی بهره و محروم مانده اند.

Therefore, the 18 Tir initiated by the Imperial Iranian Armed Forces and His Imperial Majesty needs to keep in mind that now there are families without pillar of their life because of Iran. Hoping His Imperial Majesty would endeavor in future to reach to Imperial Iranian Armed Forces, as well as, surviving families that they have been through difficult times which is beyond anyone's imagination since 1979.

بنابراین، ۱۸ تیری که در اصل از سوی دلاوران نیرون های شاهنشاهی ایران بوجود آمده در نظر اعلیحضرت بی اهمیت جلوه می کند. آن اعلیحضرت بایستی بخاطر بسپارند که پس از مرگ آنان، فامیل های این افراد بدون پایه و ستون شده است. امید به آن دارم که اعلیحضرت در آینده تلاش کنند تا دستی بسوی بازمانگان نیرو های مسلح شاهنشاهی دراز کنند و یادی از آن دلاوران بجای آورند، هیچکس نمی داند اینان چه زندگی سخت و طاقت فرسانی را از سال ۱۹۷۹ پشت سر گذاشته اند.

His Imperial Majesty should know that when revolutionary people apprehend plotters of the 18 Tir uprising and assigned a number to each person, behind each number, and each name, there is a man, and a woman, a child, a face, a smile, a tear, put yourself in place of the condemned and imagine the solitude and loneliness of the moment when executioner came to take him away for his last voyage. Why His Imperial Majesty has become silent about these victims and allowing their families to endure

great pain? Kindly His Imperial Majesty informs me when the victim families are making inquiry that why His Imperial Majesty ignored to associate the 18 Tir with Imperial Iranian Armed Forces uprising, what should I say to the surviving victims?

اعلیحضرت همایونی بایستی آگاهی داشته باشند هنگامیکه مردمان انقلابی به طراحان رستاخیز ۱۸ تیر دست یافتند برای آنان شماره ای در نظر گرفتند؛ در پشت هر شماره و هر نام یک مرد و یک بانو و یک کودک دارای یک چهره با یک لبخند و اشک بود، بایستی خودتان را در جایگاه محکوم شدگان قرار دهند و گمان کنند تنهایی و تجرد در گوشه زندان هنگامیکه اعدام کنندگانشان برای بردن آنها بسوی مسافرت بدون بازگشتشان میبردند چه می کشیدند. چرا آن اعلیحضرت در این مورد سکوت اختیار کرده و به قتلگاه رفته ها و بازمانگان آنان را در یک درد بی امان گذاشته اند؟ آیا می توانم انتظار داشته باشم که اعلیحضرت این جانثار را از دلیل بی اهمیتی شان به ۱۸ تیر جانباختگان نیرو های مسلح شاهنشاهی آگاه کنند، به بازماندان این بی گناهان چه جوابی بدهم هنگامیکه به من مراجعه می کنند؟؟

On July 11th, 1980, two days after the discovery of the military Coup of (18 Tir), Bani SADR (first president of the Islamic regime in Iran), Colonel Javad FAKOURI (commander of Air Force) and Morteza REZAI, one of the commanding officers of Pasdaran, participated in a television interview and talked about the discovery of a military Coup, to overthrow the Islamic regime.

در ۱۱ جولای ۱۹۸۰ درو روز پس از کشف کودتای (۱۸ تیر) بنی صدر (اولین رئیس جمهوری اسلامی) سرهنگ جواد فکوری (فرمانده نیروی هوایی) و مرتضی رضائی یکی از سرداران پاسداران در یک برنامه تلویزیونی در باره کودتای نظامی و سرنگون کردن رژیم گفتگو کردند.

530 days have passed since the revolution and many killing since have happened in the name of God. At the same time his Imperial Majesty was spending the last days of his life in a military hospital in Cairo, Egypt. In Iran, 52 American hostages were held by the so called hard line students of the Islamic regime in Iran. Mr. Shapour BAKHTIAR as the last and legal prime minister of Iran was in Paris, France and started activities against the Ayatollahs, supported by the Iraqi government politically and financially.

۵۳۰ روز از آن زمان گذشته بود که شاهد کشته شدند بسیاری شدیم که همگی بنام "الله" اعدام شدند. در همان هنگامه اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در بیمارستان نظامی قاهره - مصر آخرین ساعات زندگانشان را سپری می کردند. در ایران ۵۲ آمریکائی در دست کسانی به اصطلاح دانشجویان رژیم اسلامی بودند. شاپور بختیار بعنوان آخرین نخست وزیر قانونی ایران در پاریس فرانسه بود و بر علیه آیت الله ها اقدام می کرد که مورد پشتیبانی مالی و سیاسی دولت عراق بود.

The television interview allowed people to find out about the military coup in Iran . The media reported that Shapour BAKHTIAR was thankful to the group participating in overthrowing the Islamic Republic and was saddened by its discovery and ultimately defeat. This gives us the indication that BAKHTIAR was aware and involved in the plans. During the same period we also became aware of the complete Knowledge of the coup by the Islamic Republic a month before with exact date and location. Many of them never had a chance to even fire a bullet. ONLY a captain, Nasser ROKNI, was able to fire his gun at the time of his arrest at his home and killed a Pasdar in the name of Mohammad A. GHORBANI.

تلویزیون گفتگوی مردم را در باره کودتای کشف شده پخش می کرد. رسانه های گزارش میکردند که شاپور بختیار از حرکت گروه شرکت کننده در این برنامه سرنگونی رژیم خرسند بود و همپطور از کشفی که منجر به شکست شده بود بسیار ناراحت بود. این نشان می دهد که بختیار از این موضوع آگاه بوده و در این طرح دست داشته است. در همین

هنگامه ما درک می کنیم که جمهوری اسلامی ماه ها پیش از توطئه سرنگونی آگاه شده بودند و محل و زمان آنرا می دانستند. بسیاری از اینان هرگز شانس اینرا پیدا نکردند که تیر اندازی کنند، فقط کاپیتان، ناصر رکنی، در هنگام دستگیری اش در محل سکونتش قادر به تیر اندازی می شود و یک پاسدار بنام محمد قربانی را می کشد!!!.

Eleven days after the discovery of this coup the executions started by the order of REYSHARI, the presiding Judge of the military tribunals. In that day General Ayat MOHAGHEGHI, Major Farokhzad JAHANGIRI, Captain Mohammad MALEK, Captain Bijan IRANNEJAD, were executed. The executions continued, until the Iraqis attacked Iran . During 65 days the Islamic republic executed 115 believed in participating in the coup.

۱۱ روز پس از کشف طرح کودتا اعدام ها توسط ریشهری که دادگستر آن زمان بود(!) آغاز می شوند. در آن روز ژنرال آیت محقق، سرهنگ فرخزاد جهانگیری، سروان محمد مالک، سروان بیژن ایرانژاد، اعدام می شوند. اعدام ها ادامه می یابد، تا اینکه عراق به ایران حمله می کند. در ۶۵ روز جمهوری اسلامی ۱۱۵ نفر را که باور می کرد در این کودتا شرکت کرده بودند را به جوخه اعدام می سپارد.

Many of these unsung heroes participated, believing that Mr. BAKHTIAR was the chef orchestra of this coup (it is a common believe that the leaks to the Islamic Republic came from his office). Manoucher GHORBANIFAR, was the former prime minister spokesman, a former Savaki at the 8th bureau (Savak: intelligence service during the Monarchy) and his director was General HASHEMI. In 1980 this two met in Lisbon (Portugal) with Navy General Ahmad MADANI (former Islamic Defense Minister) to forward him funds from US intelligence service C.I.A.

بسیاری از این قهرمانان که از نامشان ستایش نشده است گمان می کردند که بختیار فرمانده اصلی کودتا است (باور همگانی بر آن است که خبر درز کردن این طرح هم از همان دفتر بیرون زده است) منوچهر قربانی فرسخنگوی نخست وزیر پیشین بود و یک ساواکی از اداره هشتم (ساواک سازمان امنیت دوران شاهنشاهی بود) ژنرال هاشمی فرمانده آنان بود. این دو در سال ۱۹۸۰ در لیسبون- پرتغال باهم ملاقات می کنند. ژنرال نیروی دریایی احمد مدنی (فرمانده پیشین وزارت دفاع جمهوری اسلامی) پولی در اختیار او میگذارد که از سوی سیا تدارک شده بود.

Ghorbanifar resided in Istanbul (Turkey) under the name of Suzani and continued working with Bakhtiar. He helped the people who participated in this coup to escape Iran : such as Colonel Hadi AZIZMORADI, Colonel Behrouz SHAHVERDILLOU, and Colonel Ahmad HAMEDMONFARED.

قربانیفر در استانبول (ترکیه) زیر نام سوزنی زندگی می کرد و به همکاری خود با بختیار ادامه میداد. او به مردمی که در این کودتا شرکت کرده بودند یاری نمود تا از ایران فرار کنند. همینطور سرهنگ هادی عزیزمرادی، سرهنگ بهروز شاهرودی و سرهنگ احمد حمد منفرد.

One of the most shameful story is the execution of 18 years old Shahriar NOOR (son of Colonel NOOR), whose father was a participant in the coup attempt and had weapons in his basement. He escaped the country. The Islamic republic took his son and executed him in place of the father.

یکی از داستان های شرم آور اعدام جوان ۱۸ ساله ای است بنام شهريار نور (فرزند سرهنگ نور) که پدرش در کودتا بود و اسلحه ای در زیر زمین منزلش داشت. او از کشور فرار کرد. جمهوری اسلامی فرزند او را دستگیر و بجای پدرش اعدام می کند.

The Military base of Hamedan, SHAHROKHI, was renamed the military base of NOJE, name of the Colonel who supported the Islamic Republic and helped discover the Coup. He later, was killed in the military action in the Kurdistan region.

Below is a list of all those who were affiliated to NAMIR or its military wing - NEGHBAB - and were murdered by the Islamic Republic of Iran, still the list is incomplete:

پایگاه شاهرخی همدان، به نام نوژه نامگذاری می شود به نام سهرهنگی که از جمهوری اسلامی پشتیبانی می کند و یاری می کند تا این کودتا فاش شود. او بعد ها توسط کرد ها در ناحیه کردستان کشته می شود.

لیست کشته شده ها (اعدام شده ها)

Date/Location/ Name

1. 04/07/1980 Tehran A.Mohagheghi (General)
2. 04/07/1980 Tehran G.Ghayeghran (non-commissioned officer: pilot)
3. 04/07/1980 Tehran F.Jahangiri (non-commissioned officer: pilot)
4. 04/07/1980 Tehran A.Kamiani
5. 04/07/1980 Tehran A. Karimbar
6. 30/07/1980 Tehran H.Kazemi (non-commissioned officer)
7. 30/07/1980 Tehran M.Moradi (non-commissioned officer)
8. 30/07/1980 Tehran S.Norouzi (sergeant)
9. 30/07/1980 Tehran A.Mohamadi
10. 30/07/1980 Tehran M.Assangochai
11. 30/07/1980 Tehran Y.Mahboubian
12. 30/07/1980 Tehran E.Mamaghani
13. 30/07/1980 Tehran N.Sedarat
14. 30/07/1980 Tehran E.Baroukhim
15. 30/07/1980 Tehran M.B.Fard (lieutenant)
16. 30/07/1980 Neyshabur Y.Khadjeh
17. 30/07/1980 Neyshabur G.Jafari
18. 31/07/1980 Tehran M.Farzam (lieutenant)
19. 31/07/1980 Tehran H. Karimpurtari (non-commissioned officer)
20. 31/07/1980 Tehran D.Jalaili (colonel)
21. 31/07/1980 Tehran N.Yahyaili (lieutenant)
22. 31/07/1980 Tehran N.Najaf-Nejad (sergeant)
23. 07/08/1980 Tehran I. Soltani (corporal)
24. 07/08/1980 Tehran H.Lashkari (lieutenant-pilot)
25. 07/08/1980 Tehran M.Saghafi (lieutenant-pilot)
26. 07/08/1980 Tehran A.Zarineh (colonel)
27. 07/08/1980 Tehran H.Gohari (major)
28. 07/08/1980 Tehran K.Alizadeh (major)

29. 07/08/1980 Tehran A.Morvaridi (sergeant)
30. 07/08/1980 Tehran S.Pourfahmideh (lieutenant)
31. 07/08/1980 Tehran M.Najafabadi (lieutenant)
32. 07/08/1980 Tehran M.Zahedi (lieutenant)
33. 07/08/1980 Tehran M.Asgharian (non-commissioned officer)
34. 07/08/1980 Tehran H.Abedini
35. 07/08/1980 Tehran F.Azarian (lieutenant)
36. 16/08/1980 Tehran E.Arab-Shirazi
37. 16/08/1980 Tehran A.Awazzadeh
38. 16/08/1980 Tehran M.Sajadi (non-commissioned officer)
39. 16/08/1980 Tehran M.Farahpour
40. 16/08/1980 Tehran Z.Momeni
41. 16/08/1980 Tehran G.Khergani (sergeant)
42. 16/08/1980 Tehran M.Kiani (sergeant)
43. 16/08/1980 Tehran D.Bakhtiar
44. 16/08/1980 Tehran G.Naghizadeh (non-commissioned officer)
45. 16/08/1980 Tehran H.Zamanpour (flight-lieutenant)
46. 16/08/1980 Tehran K.Azartash (major)
47. 16/08/1980 Tehran A.Azmudeh (colonel)
48. 16/08/1980 Tehran C.Ahmadi (lieutenant)
49. 16/08/1980 Tehran S.Mahdiun (general-pilot)
50. 16/08/1980 Tehran M.Farnejad (non-commissioned officer)
51. 16/08/1980 Tehran K.Mohamadi-Koubaii (non-commissioned officer)
52. 16/08/1980 Tehran M.Tightiz (non-commissioned officer)
53. 18/08/1980 Tehran M.Mirlaki (non-commissioned officer)
54. 18/08/1980 Tehran M.Abedini-Moghadam (non-commissioned officer)
55. 18/08/1980 Tehran K.Rahmati (non-commissioned officer)
56. 18/08/1980 Tehran P.Bayani (non-commissioned officer)
57. 18/08/1980 Tehran L.Lotfolahi (non-commissioned officer)
58. 18/08/1980 Tehran A.Habibi (lieutenant)
59. 18/08/1980 Tehran N.Zandi (flight lieutenant pilot)
60. 18/08/1980 Tehran C.Karimian (sergeant)
61. 18/08/1980 Tehran O.Boyeri (flight lieutenant)
62. 18/08/1980 Tehran A.Soleimani (flight lieutenant)
63. 18/08/1980 Tehran D.Mazaheri-Kashani
64. 18/08/1980 Tehran D.Fatehjoui (non-commissioned officer)
65. 18/08/1980 Tehran A.Pourkarbassi-Dehi (non-commissioned officer)
66. 18/08/1980 Tehran D.Fateh-Firouz (non-commissioned officer)
67. 18/08/1980 Tehran K.Afrouz (flight lieutenant)
68. 18/08/1980 Tehran M.Azimifar (flight lieutenant)
69. 21/08/1980 Tehran M.Arads (lieutenant)
70. 21/08/1980 Tehran M.Sadeghi (colonel)
71. 21/08/1980 Tehran H.Izadi (colonel)
72. 21/08/1980 Tehran Asghari
73. 25/08/1980 Tehran D.Rahbar (non-commissioned officer)
74. 25/08/1980 Tehran G.Hamedani (non-commissioned officer)

75. 25/08/1980 Tehran F.Javaherian (non-commissioned officer)
76. 25/08/1980 Tehran M.Zade-Naderi (non-commissioned officer)
77. 26/08/1980 Tehran G..Hejazi (female)
78. 26/08/1980 Tehran D.Shomali
79. 26/08/1980 Tehran H.Ahmadi
80. 26/08/1980 Esfahan M.Altani
81. 26/08/1980 Esfahan H.Karimi
82. 26/08/1980 Esfahan S.Mozaii
83. 26/08/1980 Esfahan H.Dari
84. 26/08/1980 Esfahan A.Allahverdi
85. 26/08/1980 Esfahan S.Hemati
86. 26/08/1980 Esfahan M.Vesaali
87. 26/08/1980 Esfahan B.Nikbakht (female)
88. 26/08/1980 Esfahan E..Biglari
89. 26/08/1980 Esfahan J.Hemati
90. 26/08/1980 Esfahan E.Karimi
91. 26/08/1980 Esfahan M.Karimi
92. 28/08/1980 Tehran S.Bassani (female)
93. 28/08/1980 Tehran M.T.Bahrani (non-commissioned officer)
94. 29/08/1980 Tehran A.Amasi (lieutenant)
95. 29/09/1980 Tehran H.Haleki (lieutenant)
96. 29/08/1980 Tehran M.R.Javadi (lieutenant)
97. 29/08/1980 Tehran H.Ahmadi (non-commissioned officer)
98. 29/08/1980 Tehran J.Ranjbar (non-commissioned officer)
99. 30/08/1980 Tehran A.Azizian (major)
100. 30/08/1980 Tehran R.Soltani (colonel)
101. 30/08/1980 Tehran A.Faria (colonel)
102. 30/08/1980 Tehran I.Derakhshandeh (non-commissioned officer)
103. 30/08/1980 Tehran M.Bahrani
104. 30/08/1980 Tehran S.Shahbeui (colonel)
105. 30/08/1980 Tehran I.Khalafbegi (major)
106. 30/08/1980 Tehran K.Keyvanfar
107. 30/08/1980 Ahwaz M.Borati (corporal)
108. 30/08/1980 Ahwaz I.Marvdashti (non-commissioned officer)
109. 30/08/1980 Ahwaz R.Yahyapasand (lieutenant)
110. 30/08/1980 Ahwaz M.A.Mehrabi (non-commissioned officer)
111. 30/08/1980 Ahwaz O.Atashboro
112. 30/08/1980 Ahwaz S.Sotoudeh
113. 01/09/1980 Tehran D.Asghari (officer)
114. 01/09/1980 Tehran D.Raastgu (lieutenant)
115. 01/09/1980 Tehran M..Fatahi-Nourdehi (non-commissioned officer)
116. 03/09/1980 Ahwaz M.Hokmabadtchi (sergeant)
117. 03/09/1980 Ahwaz E.Ostad-Nazari (lieutenant)
118. 03/09/1980 Ahwaz F.Reissi (lieutenant)
119. 03/09/1980 Ahwaz S.Dehgan (lieutenant)
120. 09/09/1980 Tehran M.Sayah (sergeant)

121. 09/09/1980 Tehran M.Rahbai-Nejad (lieutenant)
122. 09/09/1980 Tehran M.Tajvari (lieutenant)
123. 09/09/1980 Tehran B.Partovi (major)
124. 09/09/1980 Tehran H.Mostafavi
125. 11/09/1980 Tehran K.Atri
126. 11/09/1980 Tehran M.Sadeghi (colonel)
127. 11/09/1980 Tehran M.Sohaneki
128. 11/09/1980 Tehran N.Morovati (lieutenant)
129. 11/09/1980 Tehran N.Sajadi (non-commissioned officer)
130. 11/09/1980 Tehran A.Mohammad (soldier)
131. 11/09/1980 Tehran A.Shafigh (flight lieutenant)
132. 16/09/1980 Tehran M.Tabrizi-Khatun
133. 16/09/1980 Tehran E.Azadighaneh (non-commissioned officer)
134. 16/09/1980 Tehran M.Jalali-Ghajar (major)
135. 16/09/1980 Tehran S.Nour
136. 13/07/1981 Tehran M.Khadem
137. 10/08/1981 Tehran Amir-Tahmasbi (major)
138. 10/08/1981 Tehran A.Abdolmalek-Pour (colonel)
139. 10/08/1981 Tehran Didehvar (colonel)
140. 10/08/1981 Tehran Mohajeri
141. 23/12/1981 Tehran R.Marzban
142. 23/12/1981 Tehran A.Mohebi
143. 30/01/1982 Tehran A.Amir-Tahmasbi (colonel)
144. 30/01/1982 Tehran K.Yarahmadi
145. 30/01/1982 Tehran E.Seyrafi (colonel)
146. 30/01/1982 Tehran A.Foroughi (colonel)
147. 30/01/1982 Tehran A.Abdol-Malekpour
148. 30/01/1982 Tehran G.Rahimi (colonel)
149. 30/01/1982 Tehran M.Sabah (colonel)
150. 30/01/1982 Tehran G.Biglou
151. 30/01/1982 Tehran A.Mohajeri
152. 30/01/1982 Tehran M.Lotfzari
153. 30/01/1982 Tehran G.Naghib-Manesh
154. 30/01/1982 Tehran G.Didehvar (colonel)
155. 30/01/1982 Tehran G.Shahandeh-Ashtiani
156. 30/01/1982 Tehran M.Khashayar
157. 11/09/1982 Tehran R.Shahbakhti
158. 11/09/1982 Tehran H.Moghbelzadeh

The above victims, none had the rights of an accused as foreseen in the Universal Declaration of Human Rights

In another word:

The core officers who were recruited to start the preliminary planning of the coup came

from various sources: infantry, air force, army, ex-Immortal Guards, Imperial Guards, and some former members of the Savak secret service. The officers were chosen carefully based on their experience and level of nationalism, resentment of the Islamic regime. They were picked based on their access to military facilities, jet fighters, jet fuel, ammunition, maps, and knowledge of regime's military bases. The higher ranking officers were assigned to planning and logistics, while the lower level officers and pilots were given the task of implementing all stages of the coup.

در گفتاری دیگر اشاره می شود:

هسته مرکزی کسانی که برای این طرح کودتا انتخاب شده بودند از بخش ها و منابع گوناگون بودند: از رسته پیاده نظام، نیروی هوایی، ارتش، گارد جاویدان، گارد شاهنشاهی، و برخی از آنان از افراد ساواک بودند. افسران با دقت از میان کسانی انتخاب شده بودند که دارای تخصص های ویژه ای بودند و میزان میهن پرستی آنان و خشم و غیض آنها بر علیه نظام اسلامی مشخص بود. آنها به دلیل ارزش های نظامی خود انتخاب شده بودند و میزان دسترسی که به مراکز نظامی داشتند، به هواپیما های جت، به بنزین هواپیما، تسلیحات، نقشه ها و دانش آنها نسبت به مراکز نظامی رژیم انتخاب شده بودند. افسران با درجه بالاتر مأمور تهیه تدارکات و نقشه ها بودند در حالیکه افراد درجه پایین و خلبانان مأموریت هائی را میداشتند که با روند کودتا تعیین می شد.

The plan was comprised of three stages: stage one was a combination of twelve-hour air assaults against military, strategic, government, and clerical targets in Tehran and five other cities followed by two dozen low altitude supersonic flights over Tehran, Mashhad and Qom. The first stage was to be followed immediately by the second which consisted of dispatching nine infantry divisions to tactical locations such as the State Radio and Television, parliament, headquarters of Islamic Revolutionary Guards, and Tehran's grand Bazaar.

طرح دارای مراحل مختلف بود: مرحله نخست آن شامل ۱۲ ساعت یورش هوایی بر علیه مراکز نظامی و استراتژیک، دولت، و هدف های حساس در تهران و پنج شهر دیگر را به دنبال داشت که دو دوجین هواپیمای سوپر سونیک در ارتفاع بسیار کم، در تهران، مشهد و قم به مانور می پرداختند. مرحله نخست با دور دوم برنامه دنبال می شد که نه گروهان پیاده به محل ه ای تاکتیکی مثل رادیو، و تلویزیون، مجلس، مرکز گارد های جمهوری اسلامی و بازار تهران اعزام می شدند.

The third stage was the most ambitious. It called for cutting off Tehran from the rest of the nation with the help of fifty thousand Baluch, Kurdish, and Turkish mercenary fighters brought from other side of the borders, under the leadership of an unknown national figure. The interesting and ruthless part of the third stage was to have the fighters outfitted as Revolutionary Guardsmen with a green bandanna which had the words "Ya Vatan" (Oh Motherland) embedded on them. That way the coup forces could distinguish the coup fighters from the regime's forces.

مرحله سوم که بسیار جاه طلبانه بود به این ترتیب بود که تهران از بقیه بخش های کشور قطع رابطه می کرد و اینکار با همیاری پنجاه هزار بلوچ، کرد، و ترک های جنگنده تحت استخدام انجام می شد که از آنسوی مرز آورده شده بودند این افراد زیر فرماندهی یک شخص ناشناس ملی انجام می گرفت. مرحله سوم و جالب طرح این بود که جنگنده ها در لباس پاسداران با نوار سبز بر سرشان باشند که شعار "یا وطن" بر آن نقش بسته بود شناخته می شدند. به این ترتیب کودتاچیان از دیگر نیرو های رژیم تشخیص داده می شدند.

The fighters' orders were to create pandemonium and confusion among Revolutionary Guardsmen and the backers of the young Islamic Republic by attacking the government forces that were dispatched from other cities to defend Tehran. There were, however, two problems with the last stage of the plan: one was the fact that majority of Baluch, Kurdish, and Turkish fighters were not familiar with Tehran's landscape, and the other obstacle was that some of them did not speak Persian.

It is estimated that the coup cost somewhere in the neighborhood of a million dollars. The money covered expenses for traveling from Tehran to Paris and Istanbul and most of the was spent on hiring Baluch, Kurdish, and Turkish mercenaries. The money was managed personally by Bakhtiar and no one else.

دستوری که به مبارزان داده شده بود این بود که در میان نگهبانان و پاسداران غوغایی از سرگیجه و پریشانی و اعتشاش بوجود آورند تا اگر جوانانی از شهرهای دیگر برای همیاری رژیم اسلامی آمدند قادر بکار نباشند. با وجود این دو اشکال وجود داشت، در مرحله آخر طرح اکثریت بلوچ ها و کرد ها و ترک ها که با اطراف تهران و نقشه شهر آشنا نبودند و برخی از آنها زبان پارسی را گفتار نمی کردند. برآورد شده بود که کودتا نزدیک به یک میلیون دلار هزینه بردارد. پول برای مسافرت ها از پاریس به تهران و استانبول و دیگر کارها از جمله استخدام بلوچ ها، کردها و ترکهای جنگنده بود. پول از سوی بختیار تضمین می شد و نه کسی دیگری.

It is a known fact that the coup was no secret to Islamic regime and on the night of July 18th, the Islamic regime president Abolhasan Banisadr's task force, which consisted mostly of members of the Mojahedin Khalgh Organization, were ready and waiting for the operation to start. Many of the pilots were captured hours before the start of the operation and other officers were arrested on the way to their bases. However it's not known who snitched and how the regime uncovered coup. The circumstances leading to the leak is by far the most fascinating part of this ordeal.

مسلم بود که کودتا در شب پیش از ۱۸ تیر برای جمهوری اسلامی چیز پنهانی نبود، رئیس جمهور ابوالحسن بنی صدر و نیروهایش که بیشتر از مجاهدین خلق تشکیل می شدند می دانستند و آماده بودند تا عملیات آغاز شود. بلافاصله بیشتر خلبان ها در همان ساعت های اول دستگیر شدند بدون اینکه دست به کار شده باشند بقیه افسران هم در پایگاه ها دستگیر شدند. اما مشخص نیست چطور رژیم از این مسئله آگاه شده بود و چه کسی یا کسانی آنرا لو داده بودند. نتایج بدست آمده ما را به این رهنمون می گردد که درز کردن خبر بخش بسیار فریبنده این عملیات بود.

There are many different theories out there making attempts at explaining the circumstances behind the failure of the coup and its leaders. But the most intriguing piece comes from sources who claim that Saddam Hussein's government tipped the Islamic Republic a month before D-Day. It is said that Iraq intentionally reported the details of the operation knowing that the capture and execution of the best pilots and military commanders would seriously weaken the Iranian forces (Iraq invaded Iran two months later). Some even go so far as to allege that the coup was reported to the Iranian government by the U.S. to buy the release of American embassy hostages in Tehran. However, it is likely the information cam from British sources, long lasting ally of clergies in Iran.

تئوری های گوناگویی وجود دارد که نشان می دهد چه عواملی باعث شکست کودتا و رهبران آن شد. اما بیشتر حلقه صدام حسین و دولت او را گریبان می گیرد که یک ماه پیش از عملیات رژیم اسلامی را از روز عملیات آگاه کرده باشد.

گفته می شود عراق خبر را مخصوصا گزارش کرده بود زیرا میدانست دستگیری و اعدام بهترین افسران و خلبانان و فرماندهان بطور جدی ارتش ایران را ضعیف خواهد کرد (دو ماه بعد عراق به ایران حمله کرد). برخی حتی فراتر رفته و گمانه می زنند که آمریکا خبر را به رژیم اسلامی داده است تا بتواند گروگان های نظامی را از تهران بخرد. در هر صورت آگاهی از سوی انگلستان که یار دیرینه مذهبیون و ملاهای ایران است درز کرده است.

Some believe that the success of the coup would have led Iran on the path of a bloody civil war and the assassination of Khomeini would have turned him into a mythical figure. These are legitimate concerns and yet it cannot be denied that the failed "Nojeh Coup" of 1980 was conducted by servicemen who deeply cared about their country. No evidence has surfaced so far that links the coup to foreign powers or shows that the officers had illegitimate intentions. The very fact that the coup's resources were not managed efficiently and plans were executed poorly, demonstrates the fact that the movement was most likely home-grown. Many of the officers believed that the country was heading in a wrong direction and in a desperate attempt to save Iran, they lost their lives.

برخی بر این باورند که این کودتا ایران را به یک جنگ خانگی و کشته شدن خمینی او را به یک قهرمان افسانه ای مبدل می کرد. اینها نگرانی های بجائی است ولی بهرحال نمی توان انکار کرد که کودتای شکست خورده "نوزده" در سال ۱۹۸۰ از سوز مردان و زنان (نظامیان) بسیار میهن پرست طراحی شده بود. سندی در دست نیست که نشان دهد آنها نظر دیگری داشته اند. قدر مسلم این است که در اجرای عملیات نواقصی وجود داشت و طرح از موضع ضعیفی اجرا شده بود، و این نشان می دهد که جنبش یک مورد خانگی بود. بسیار از افسران بر این باور بودند که کشور به سوی یک راه غلط می رود و تلاش آنها برای نجات آن مصمم بودند که به تلف شدن جان آنها انجامید

پاینده ایران - جاوید ایران

Payandeh Iran/Long Live Iran

Jan nesar

جانشار
شیرین نشاط

Shirin Neshat
P. O. Box 16166
Beverly Hills, CA 90209 USA
Phone: 310 863 8218
E-mail: shneshat@aol.com
www.alineshat.org
www.sarbazan.com
www.janbakhtegan.org